جلسه 23

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین

اقسام عذر ها در نماز جماعت

صورت پنجم از عذر ها: اگر ماموم ناچار بر قصد فرادا بشود، این عذر عارض شده، قهرا باعث می شود که از جماعت جدا شود؛

فروض در عذر:

اگر نماز را دامه دهد، ضرر به او می رسد یا منفعتی را ازدست می دهد، یا اعم از این دو باشد، در روایات به این جهت اشاره ای نشده است، و در نصوص تعلیق بر عذر نشده است که بخواهیم عذرِ نزد عرف را بررسی کنیم، اما نظر وجیه نزد صاحب جواهر عذر به معنای سوم(اعم از ضرر و فوت منفعت) می باشد.

نکته تاییدی برای جواز خروج از جماعت: اگر امام در سلام نماز جماعت، دچار تطویل شود، جایز است که در ذکر سلام از امام سبقت بگیریم.

لذا اگر عذر براساس یک غرض عقلائی باشد و نزد عرف عذر به حساب بیاید، جداشدن از چماعت جایز است.

در مسئله جماعت دو نظر داریم:

اول: اگر کسی وارد جماعت شود حرام است از جماعت خارج شود.

دوم: نمازِ واجب را، می شود به نحو فردا و جماعت انچام داد، لذا شرکت در نماز جماعت واجب نیست.

تمام این صور بحث شده در فرضی است که ایتمام تمام شده و می خواهد از جماعت خارج شود؛ و خروج از جماعت جایز نیست، مگر تز روی عذر باشد.

اما اگر خروجِ بدون عذر از جماعت، اشکال نداشته باشد، فورض مذکور پیش نمی آید.

نظر اکثر علماء بر این است که خروج از جماعت اشکالی ندارد.

وجه جواز خروج از جماعت البته در مواردی که روایت بر حرمت خروج ، نداریم:

اول: اصل بر جواز خروج از جماعت می باشد، بنابر اجرای اصل برائت، یعنی شک در حرمت خروج از نماز جماعت داریم اصلِ براعت جاری می شود.

دوم: اطلاق ادله ای که دلالت بر جواز سبقت در سلام نماز جماعت، می کند.

سوم: استصحاب بقاء انفراد جاری می کنیم زیرا قبل از ورود به جماعت، می توانسته فرادا بخواند، اکنون که به جماعت پیوسته است و شک در جواز خروج از جماعت دارد، استصحاب جواز انفراد، جاری می کند.

اشکال: در استصحاب یقین ماسبق لازم است در حالی که در این مورد ،حالت سابقه متیقنه نداریم؛ اما استصحاب ازلی نمی تواند مصحح جریان استصحاب انفراد باشد زیرا استصحاب ازلی را همه قبول ندارند.

چهارم: جواز اتیان به جماعت آیا ابتداء است یا استدامه نیز می باشد؟ اگر استدامه ی جماعت نیز جایز باشد، می توان از جماعت جدا شد.

نکته دفاعی از حرمت خروج از جماعت: دلیل لا تبطلوا اعملکم شامل خروج از جماعت می شود،

جواب اشکال: مراد از لا تبطلوا اعمالکم، ابطال با ارتداد اعمال، می باشد نه اینکه ترک جماعت بطلان نماز واجب را در پی داشته باشد. از طرفی تنها عمل مستحبی که با شروع شدنش، قطع آن حرام است، حج می باشد.

وأما الأعذار التي تصير المأموم منفردا قهرا فليست محتاجة إلى حصر وعد لوضوحها ، إنما الكلام في الأعذار التي تلجئه إلى اختيار الانفراد ، فهل المدار فيها على الضرر أو هو مع فوات النفع أو الأعم منها؟ ليس في شي‌ء من النصوص أيضا تعرض لها ، ولا تعليق فيها على العذر كي يرجع فيها إلى العرف ، نعم قد يستفاد من النصوص [١] الواردة في جواز التسليم قبل الامام لطوله في التشهد ونحوه تعميم العذر فيها للأعم مما يمكن تحمله وما لا يمكن ، وما يكون فيه ضرر وما لا يكون ، فيكون الخارج حينئذ الانفراد لا لغرض من الأغراض المعتد بها ، وما عداه فهو من الانفراد لعذر ، وربما يؤيده إطلاق الأصحاب العذر ، إذ الظاهر إرادتهم الغرض والحاجة منه ولا بأس به.

على أنه لا ثمرة لنا في البحث عن ذلك ( فـ ) ان المختار عندنا أنه إن نوى الانفراد في الجماعة المندوبة جاز مطلقا لعذر كان أولا ، وفاقا للأكثر ، بل المشهور بين الأصحاب نقلا وتحصيلا ، بل في المدارك والحدائق أنه المعروف من كلام الأصحاب ، بل في الرياض نفي ظهور الخلاف فيه إلا من المبسوط ، بل في ظاهر المنتهى أو صريحه والتذكرة وعن صريح نهاية الأحكام وإرشاد الجعفرية الإجماع عليه ، بل‌ لعله كما قيل ظاهر الخلاف أو صريحه أيضا ، وهو الحجة بعد اعتضاده بالأصل ، وبإطلاق ما دل على جواز التسليم قبل الامام مما مضى ويأتي ، وباستصحاب بقاء جواز الانفراد له وبظهور الأدلة في استحباب الجماعة ابتداء واستدامة ، وخروجها عن مهية الصلاة وإلا كانت معتبرة في صحتها وهو واضح الفساد ، فابطالها حينئذ بعدم استدامة نيتها لا يستلزم إبطال الصلاة ولا إثم فيه ، ضرورة اختصاص النهي عن إبطال العمل لو سلم إرادة ما يشمل مثل ذلك منه ، إذ من المحتمل في الآية [١] إرادة الابطال بنحو الارتداد وشبههه بالصلاة لا كل عمل ، بل الظاهر إرادة الواجبة منها كما حرر في محله ، ولقد أجاد الأردبيلي فيما حكي عنه من الاستدلال على جواز المفارقة قبل التسليم بالأصل وكون الجماعة مندوبة ، ولا تجب المندوبة بالشروع عندهم إلا الحج بالإجماع.[[1]](#footnote-1)

1. [جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج14، ص24.](http://lib.eshia.ir/10088/14/24/الانفراد) [↑](#footnote-ref-1)